

# صالح شعری بازتاب اسطوره در

چکیده

اسطوره داستانی است بیان‌گر فرهنگ اقوام و ملت‌ها که معمولاً ریشه‌ی آن ناپیداست. آن‌ها بیان‌کننده‌ی نیازهای ناخودآگاه ذهن انسان‌اند و به گفت‌وگو با انسان و جهان پیرامونش می‌پردازند. اسطوره‌ها همواره الهام‌بخش شاعران و نویسندگان بوده‌اند. سیدعلی صالحی یکی از شاعران معاصر است که شعرش بستری مناسب جهت تجلی اسطوره‌هاست اما به نظر می‌رسد این شاعر در تطبیق اساطیر با نیازهای زمانه چندان موفق نبوده و نتوانسته است پیوند میان انسان و اسطوره‌ها را نشان دهد. روش تحقیق در این مقاله تحلیلی و توصیفی است.

کلیدواژه‌ها:

اسطوره، شعر، ناخودآگاه، نماد، سیدعلی صالحی.

حمیده بازیگر

دبیر زبان و ادبیات

فارسی‌بخش

چفلوند خرم‌آباد

و مدرس دانشگاه

پیام‌نور واحد

خرم‌آباد

شاید نتوانیم برای اسطوره (myth) تعریفی جامع و مانع ارائه کنیم زیرا هرکس بنا بر مشرب علمی خود، تعریفی از آن ارائه داده است. به عبارتی، کسانی که اساطیر را مطالعه می‌کنند، از بُعد جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی، روان‌شناسی، تاریخی و... به آن‌ها می‌پردازند. با وجود این گستردگی، می‌توان هم‌ه‌ی این ابعاد را توجیه کرد؛ به این معنی که اسطوره هم‌ه‌ی مباحث اندیشه و دانش بشری را در خود دارد اما در یک تعریف کلی، «هر اسطوره، هر نماد، هر آیین عبادی مبین شناخت وضعیتی خاص در عالم هستی است و در نتیجه، به حقیقتی در ماوراءالطبیعه اشاره دارد. هر آنچه این‌جاست، عکسی از عالم دیگر است و تمامی موجودات خاکی، از آن‌جا که مظهر و تجلی‌گاه حقیقتی متعالی‌اند، خود لاهوتی و مقدس‌اند.» (ترقی، ۱۳۸۶: ۳۰)

اسطوره‌ها از لحاظ روانی ارزش بسیار دارند. آن‌ها بیان‌گر نیازهای آدمی و حلقه‌های ارتباطی میان انسان و جهان پیرامون او هستند. از طرفی، بسیاری از قهرمانان اساطیر در واقع نماد تیپ‌های مختلف‌اند که ما را در شناخت درون

بازی می‌کنند؛ زیرا هر انسانی مانند قهرمان اسطوره، مداوم با درون خود در تضاد و تعارض است. به این ترتیب، اسطوره‌ها ضمن رسوب در ناخودآگاه بشر، ارتباطی تنگاتنگ با ادبیات نیز دارند؛ به این معنی که همواره منبع بسیاری از قصه‌ها و الهام‌بخش شاعران و نویسندگان بوده‌اند.

نکته‌ی قابل توجه درباره‌ی اساطیر این است که «ظرفیت شاعرانه و سمبلیک و تأویل‌پذیری که دارند، در هر دوره‌ی برحسب شرایط و اوضاع اجتماعی می‌توانند بار معانی جدید را بپذیرند و از طریق تأویلی جدید، سمبل بعضی افکار و حوادث نو در زمینه‌ی رخدادهای سیاسی و اجتماعی جامعه و عواطف شخصی گردند» (پورنامداریان، ۱۳۸۱: ۲۸۲). البته این امر به میزان مهارت و قدرت شاعر در مطابقت دادن آن‌ها با رویدادهای اجتماعی و احوال باطنی و روحی او بستگی دارد.

سیدعلی صالحی یکی از شاعران معاصر است که اسطوره‌ها بر ذهن و اندیشه‌ی او تأثیر گذاشته و شعرش بستری مناسب برای تجلی آن‌هاست. ما قبل از پرداختن به این موضوع، معرفی‌نامه‌ی کوتاه‌ای از این شاعر ارائه می‌کنیم.

صالحی از بنیان‌گذاران شعر موج ناپ ۱ است اما کم‌کم از این جریان شعری فاصله می‌گیرد و به جنبش شعر گفتار ۲ می‌پیوندد. مجموعه اشعار صالحی شامل دو دفتر است و جدیدترین دفتر شعر او «سمفونی سپیده‌دم» نام دارد. از ویژگی‌های شعر او می‌توان به انسان‌گرایی، استفاده از ضرب‌المثل و توجه به اسطوره‌های تاریخی و باستانی اشاره کرد. اینک نگرش شاعر به اسطوره‌ها:

## ایزدان

### مهر

مهر از ایزدانی است که در مرتبه‌ای پایین‌تر از اورمزد قرار می‌گیرد. «مهر یا میترا که در زبان اوستای و در فارسی باستان منیژه (mithra) در سانسکریت میتره (mitra) و در پهلوی میتر (mitr) آمده، به معانی مختلف عهد و پیمان

محبت و خورشید، هفتمین ماه سال و روز شانزدهم هر ماه شمسی آمده است.» (یاحقی، ۱۳۶۹: ۴۰۴)

مهر

پیامبری آراسته از رستگاری رازهاست  
که در ليله‌العشق آدمی

بشارت از ظهور نور و نماز و نوازش دارد

(این منم زرتشت، ۱۳۸۵: ۵۰۵)

مهر که «ربالنوع روشنایی، ربالنوع قرارداد هم بود و فسخ قرارداد را توهین به او می‌دانستند» (پیرنیا، ۱۳۸۳: ۱۸۲)، در مورد پیمان شکنان، بسیار سرسخت است:  
نه!

تو آن توان لایزال را از دست نخواهی داد  
پیمان شکنان را

چه راه... تا که به هم خندگی ات

بی‌خبر شوند

(همان: ۴۷۰)

### ناهید

از ایزد بانوان بسیار برجسته در آیین ایران باستان، اردویسور، آناهیتا یا ناهید است. او «سرچشمه‌ی همه‌ی آب‌های روی زمین و منبع همه‌ی بارورهاست، نطفه‌ی همه‌ی نران را پاک می‌گرداند، رحم همه‌ی مادگان را تطهیر می‌کند و شیر در پستان مادران پاک می‌سازد؛ در حالی که جایگاه آسمانی خود را دارد و سرچشمه‌ی دریایی کیهانی است. او نیرومند و درخشان، بلند بالا و زیبا، پاک و آزاده توصیف شده است.» (هینلز، ۱۳۷۱: ۳۸)

ناهید

ناهید خواهد آمد

آن نیز به هیئت دختری جوان و برومند  
خوش اندام، کمر بند به میان بسته و راست بالا

(این منم زرتشت، ۱۳۸۵: ۲۸۷ و ۲۸۸)

ناهید بارها به عنوان ایزد بانوی آب و باروری نیز ستایش شده است. «ایرانی پیش از آن که از آب بترسد، دوستش

می‌دارد و نیز به ویژه آن را وسیله می‌داند و به همین جهت، معشوق را به گل سرخ و زنبق و سرو سهی مانند می‌کند که همه از آب زنده‌اند» (دومیل و دیگران، ۱۳۷۹: ۲۰۸). در شعر صالحی نیز بارها به آب، باران، دریا، دریاچه، رود و چشمه اشاره شده است که همگی مظهر خیر و زیبایی‌اند. اشعار زیر گویای این مطلب است:

بامداد بر این باور است

که بنا به پایداری دریا

تا ساحل دور امید می‌هست (دعای زنی در راه، ۱۳۸۵: ۸۱۰)

و:

بی‌دلیل نیست که ما ... در نماز نور

با مادران داغ‌دیده‌ی دریا گریه می‌کنیم

(روایهای قاصدک غمگین که از جنوب آمده بود، ۱۳۸۵: ۷۰۵)

### تشتیر

تشتیر خدای باران است که در بعضی موارد آن را با شعرای یمانی یکی می‌دانند. شرح نبرد تشتیر با اپوشه (دیو خشکسالی) به این گونه آمده است: اپوش مائع باران شده بود. تشتیر برای مبارزه با آن به کمک امشاسپند بهمن و ایزد هوم (سرور گیاهان) خود را به شکل مردی در آورد و به مبارزه با اپوش پرداخت و سرانجام توانست باران‌هایی به زمین بفرستد که هر قطره‌ی آن به اندازه‌ی یک جام بود. پس از آن، باد شروع به وزیدن کرد و آب‌ها به اطراف زمین روانه کرد؛ به گونه‌ای که دریای فراح کرت از آن‌ها پدید آمد:

تشتیر

اپوشه‌ی شی‌زاد را به فراختایی تیره درافکند و سرود

ای کاش دانسته بودمی

که دیو و ددان

دانسته‌ی کدام چشمی

عاشق تر از دو دیده‌ی دریا

شاعر در ستایش این ایزد بانو می‌گوید: (همان: ۳۲۷)

صالحی از  
بنیان‌گذاران  
شعر موج  
ناب است اما  
کم‌کم از این  
جریان شعری  
فاصله می‌گیرد  
و به جنبش  
شعر گفتار  
می‌پیوندد

در شعر  
صالحی بارها  
به نام «ری‌را»  
برمی‌خوریم.  
«ری‌را»  
صورت تمثیلی  
و نمادین عشق  
شاعر است.  
صالحی او  
را در برابر  
لیلی و شیرین  
پرده‌نشین خلق  
کرده است

زمین از  
اساسی ترین  
و مهم ترین  
نمادهای ما  
در مثالی و  
باروری است.  
زمین همواره  
در حال زایش،  
و هم چون  
مادری به فکر  
خوراک دادن  
به فرزندان  
خود است اما  
صالحی به  
این حالت اکتفا  
نکرده و از آن  
فرا تر رفته و  
حتی بر این  
باور است که  
زمین، هم چون  
گره گشایی،  
مشکلات را حل  
می کند

تیا هو  
دروود باد ای تشتر  
دروود باد ای ثریا  
آب آورنده ی توانا  
ای هور و ای هوا  
و در قطعه ای دیگر تشتر را مادر آبها می داند که همه جا  
باعث خضرا و سرسبزی می شود:

(همان: ۳۴۷)

تشتر  
ستاره ی مادر  
مادر برهنه ی آبها  
سبز از تو می گذرد  
که بنفشه در بن آب

(همان: ۳۳۰)

### مادر کبیر و نموده های آن زمین (مادر)

زمین از اساسی ترین و مهم ترین نمادهای مادر مثالی و  
باروری است. زمین همواره در حال زایش، و هم چون مادری  
به فکر خوراک دادن به فرزندان خود است اما صالحی به این  
حالت اکتفا نکرده و از آن فرا تر رفته و حتی بر این باور است  
که زمین، هم چون گره گشایی، مشکلات را حل می کند:

هم این زمین زاینده نیز  
به راستی

به برزگران

گشایش دهد (زرتشت و ترانه های شادمانی، ۱۳۸۵: ۷۰)  
در قطعه ای دیگر می گوید که مروت را از زمین (مادر ازلی)  
و آسمانی (پدر ازلی) آموخته و به ارث برده است:

مدارا و مروت

میراث من است

مدارا و مروت را من از آسمان و زمین آموخته ام

(منم کوروش، شهریار روشنایی ها: ۱۳۸۵: ۹۵۴)

پس او به چنین موجودی و هر آن چه در او جاری است،  
دروود می فرستد:

و ما

به گذرگاه آبهای زلال درود می فرستیم

(این منم زرتشت، ۱۳۸۵: ۲۰۳)

یا:

به ماهیان مقدس نقره فام

دروود می فرستیم

به دریای «فرخ کرت» و اقیانوس های موج در موج

(همان: ۲۰۵)

دروود می فرستیم

### گل ها و روییدنی ها

گل ها جزء گیاهان و طبیعت محسوب می شوند، و از این رو،

نماد مادر مثالی و بیش تر مادینه اند. نرگس، بنفشه، نیلوفر،  
گل سرخ و... در شعر صالحی جایگاهی ویژه دارند. شاعر در  
قطعه ی زیر معشوقش را هم چون گل بنفشه و نرگس می داند  
و این ارتباط ناشی از آن است که بنفشه نماد شرم و فروتنی  
و پاک دامنی است:

محبوب متعال

گل بنفشه

باران

ای نرگس

خود شیفته ی کدام اندوهی این گونه بزرگ (همان: ۴۴۷)

شاعر به ویژه از گل سرخ در اشعارش نام برده است. «گل

سرخ از ملازمان آفرودیت/ ونوس است و برای فلورا، الهه ی

ایتالیایی گل ها، نماد تقدس و عشق زیبایی است. گل سرخ به

تمامی با مریم عذرا مربوط است که او را گاهی بی خار، یعنی

بدون گناه، می دانستند.» (جمزاد، ۱۳۸۷: ۱۴۶)

آن گاه که تو

در گل سرخ می خندی

ای با تو

مهر

مادر

کسی که منزلتش

تمام زمین است

(این منم زرتشت، ۴۵۷ و ۴۵۸)

### امشاسپندان

اشاره به امشاسپندان از دیگر جلوه های اسطوره در شعر  
صالحی است. «آفرینش موجودات معنوی (فرشتگان) پیش

از خلقت مادی انجام گرفته است... روایات مزدیسنا، از

فرشتگان با عنوان امشاسپندان یاد می کند و خلقت آنها

را پیش از آفرینش مادی می داند. در همه ی ادیان جایگاه

فرشتگان در عالم بالا فرض شده که در آیین زرتشت از آن

با عنوان روشنی بی کران (عرش اعلی) یاد می شود» (زمردی

به نقل از میرفخرایی، ۱۳۸۵: ۲۸۸). از جمله ی امشاسپندان

اردی بهشت، خرداد، و سپندارمذ است که برخی از آنها

مادینه اند. «سپندارمذ به معنی اخلاص و بردباری مقدس

است. سپندارمذ با نمادی زنانه، دختر اورمزد به شمار می آید

و در انجمن آسمانی در دست چپ او می نشیند. چون ایزد

بانوی زمین است و به چهارپایان چراگاه می بخشد» (آموزگار،

۱۳۸۴: ۱۷). علاوه بر این، سپندارمذ نماد انقیاد و اطاعت است.

او مشکلات را تحمل می کند و با خوش رویی می پذیرد:

مروت غم خوارگان آدمی را

و زمین را ستاینده ایم

شکیبایی سپندارمذ را

پادزهر این ملال و مرارت را  
 پیشوای روزهای پریشانی را  
 و فهمیدگان را (این منم زرتشت، ۱۳۸۵: ۱۶۹ و ۱۷۰)  
 خرداد نماد بی‌مرگی و تن‌درستی است و آب و گیاه نیز از  
 مظاهر آن هستند. خرداد از امشاسپندان مادینه است:  
 در هیر و ویر صحبت خرداد و خیال آسمان بودی  
 که پاییز پیر آمد و دامنه را درو کرد و رفت  
 (دعای زنی در راه، ۱۳۸۵: ۷۸۲)  
 «شهریور نمادی از فرمان‌روایی مطابق نیل و آرزوست. نماد  
 مادی او فلزها هستند. شهریور با آسمان نیز مربوط است؛  
 چون آسمان نیز فلز است» (کار، لاهیجی، ۱۳۸۱: ۲۷۹). صالحی  
 در قطعه‌ای کوتاه به این امشاسپندان اشاره کرده است:

درد ای زن

ای برتر

هم‌چنین که گفته‌اند به آیینی از جهان فهم

اهورا مزدای و

بهمن و

اردی‌بهشت

شهریور و سپندارمذ

رستخیز و مانایی (این منم زرتشت، ۱۳۸۵: ۴۸۷ و ۴۸۸)

## عشق

به نظر می‌رسد مفهوم عشق برای شاعران معاصر، مفهومی  
 اسطوره‌ای است. عشق، انگیزه‌ای برای رویارویی با سختی‌های  
 زندگی است. این مفهوم در اندیشه‌ی همه‌ی افراد بشر وجود  
 دارد. هر چیز می‌تواند موضوع عشق قرار گیرد: عشق به  
 موجودی برتر، انسان و سایر موجودات. در شعر صالحی  
 بارها به نام «ری را» برمی‌خوریم. «ری را» صورت تمثیلی و  
 نمادین عشق شاعر است. صالحی او را در برابر لیلی و شیرین  
 پرده‌نشین خلق کرده است و می‌گوید: «ری را زنده است،  
 شبیه همگان است، نه بیش‌تر و نه کم‌تر؛ عام است و به شدت  
 واقعی، چهره‌ای باورپذیر، آرمانی و اصلا ابژکتیو (درونی) دارد  
 و مولود مدرنیسم همین جهان امروز ماست. جلوه‌ای از  
 کنش‌گری شخصیت زن امروز و معاصر ما» (صالحی، ۱۳۸۲: ۱۲۸).  
 شاعر که بی‌تابانه به دنبال معشوقش است، هنوز بر این  
 باور است که یک دیدار سرآغازی دیگر برای اوست:

ها، ری را

من به خانه برمی‌گردم

هنوز هم یک دیدار ساده می‌تواند

سرآغاز پرسه‌ای غریب در کوچه باغ باران باشد

(نشانی‌ها: ۳۵۱)

اما پس از این همه انتظار، روزگاری را که شاعر با آن امید  
 بسته بود، فرا می‌رسد ولی افسوس زمان اندک است:

حالا که آمدی

حرف ما بسیار

وقت ما اندک

آسمان هم که بارانی است (همان: ۳۴۷)

در پایان، با توجه به آن‌چه گفتیم شاعر می‌تواند اساطیر  
 را به گونه‌ای عرضه کند که با روح زمانه نیز مطابقت داشته  
 باشد اما به نظر می‌رسد سید علی صالحی جز در مواردی  
 اندک، نتوانسته است با استفاده از اساطیر، تضادهای سیاسی،  
 اجتماعی، فلسفی و مذهبی عصر خود را به تصویر بکشد و با  
 آن‌که شعرش از حیث اساطیر غنی است اما پیوند میان انسان  
 و اساطیر به گونه‌ای گنگ و ناشناخته باقی مانده است.

## پی‌نوشت

۱. «شعر موج ناب شکل موجز و پرداخت شده‌ی دیگری از موج نو  
 بود که ظاهراً شعر حجم و شعر تجسمی نتوانسته بودند جوهره‌اش را  
 از رنج غموض و اغتشاش معنا نجات بخشند» (حسن‌لی، ۱۳۸۳: ۶۳  
 و ۶۴). این جریان شعری اگرچه بر آن بود که ابهام را از شعر دور کند  
 اما نتوانست؛ زیرا آن چنان با خیال و تصویر آمیخته شد که شناخت  
 شعر را دشوارتر ساخت.

۲. شعر گفتار از گونه‌های شعر معاصر و اتفاقی تازه در حیات آن  
 به شمار می‌آید. «شعر گفتار تلاش می‌کند تا با فاصله‌گیری از زبان  
 رسمی و فاخر ادبی و بهره‌گیری از امکانات زبان روز مردم، به گونه‌ای  
 متفاوت جلوه‌گری کند. در شعر گفتار از کلی‌گویی‌های شعر گذشته  
 فاصله گرفته می‌شود و با عینیت‌گرایی تجربی، دغدغه‌های انسان امروز  
 در سطح زبان خودش سروده می‌شود.» (همان: ۶۸)

## منابع

۱. آموزگار، ژاله؛ تاریخ اساطیری ایران، چاپ هفتم، سمت، ۱۳۸۴.
۲. پورنامداریان، تقی؛ سفر در مه، نگاه، ۱۳۸۱.
۳. پیرنیا، حسین (به کوشش سیروس ایزدی)؛ عصر اساطیری تاریخ  
 ایران، چاپ دوم، خورشید، ۱۳۸۳.
۴. ترقی، گلی؛ بزرگ بانوی هستی، چاپ اول، نیلوفر، ۱۳۸۶.
۵. جم‌زاده، الهام؛ انیما در شعر شاملو، چاپ اول، شهر خورشید، ۱۳۸۷.
۶. حسن‌لی، کاووس؛ گونه‌های نوع‌آوری در شعر معاصر ایران، چاپ  
 اول، ثالث، ۱۳۸۳.
۷. دو مزبل، ژرژ و دیگران؛ جهان اسطوره‌شناسی، مرکز، ۱۳۷۹.
۸. زمردی، حمیرا؛ نقد تطبیقی ادیان و اساطیر، چاپ دوم، زوار، ۱۳۸۵.
۹. صالحی، علی؛ شعر در هر شرایطی، چاپ اول، نگیم، ۱۳۸۲.
۱۰. صالحی، سید علی؛ مجموعه‌ی اشعار (دفتر یکم)، چاپ دوم، نگاه،  
 ۱۳۸۵.
۱۱. صالحی، سید علی؛ مجموعه‌ی اشعار (دفتر دوم)، چاپ اول.  
 نگاه، ۱۳۸۵.
۱۲. لاهیجی، شهلا - کار، مهرانگیز؛ شناخت هویت زن ایرانی، چاپ  
 سوم، روشنگران، ۱۳۸۱.
۱۳. هینلز، جان؛ شناخت اساطیر ایران، مترجمان: ژاله آموزگار و احمد  
 تقضلی، چاپ دوم، چشمه، ۱۳۷۱.
۱۴. یاحقی، محمد جعفر؛ فرهنگ اساطیر و اشارات داستانی در ادبیات  
 فارسی، چاپ اول، سروش، ۱۳۶۹.

سید علی  
 صالحی جز در  
 مواردی اندک،  
 نتوانسته است  
 با استفاده  
 از اساطیر،  
 تضادهای  
 سیاسی،  
 اجتماعی،  
 فلسفی و  
 مذهبی عصر  
 خود را به  
 تصویر بکشد  
 و با آن‌که  
 شعرش از حیث  
 اساطیر غنی  
 است اما پیوند  
 میان انسان  
 و اساطیر به  
 گونه‌ای گنگ و  
 ناشناخته باقی  
 مانده است